ماهنامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۴۵ — دورهٔ ششم شماره چهاردهم

بیاری دوستانی بشتابیم که در آستان نیستی ایستاده اند ! دست دژخیم را باز داریم !

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت اول ماه مه — جشن همبستگی جهانی کارگران جهان

کارگران و زحمتکشان ایران !
خواهران و برادران عزیز ما !

کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی رنجبران، روز پرشکوه نیروی عظیم کارگری جهان را بهمه شما از زن و مرد، سالخورده و خردسال وبهمه افراد خانوادهٔ شما صمیمانه تبریک میگوید.

طبقهٔ کارگر ایران، طبقه‌ای از جامعه ماست که دائماً در حال رشد کمی و کیفی است. علی‌رغم هر گونه سد و مانعی هم که استعمار و ارتجاع در سر راه ترقی عنصری کشور ایجاد کنند، این ترقی بنا بحکم تاریخ واقع میگردد و ممکنست با بهره‌برداری و بشکل ناگوبر انجام می‌گیرد و ترقی عنصری نیرومندی عالمی طبقه کارگر را با خود همراه دارد. زمانی خواهد رسید که طبقهٔ کارگر ایران که امروز نیز مقام اجتماعی ومعنوی مهمی در تاریخ میهن ما دارد به کثیرالعده ترین و مقتدرترین و بلغوذ ترین طبقهٔ جامعهٔ ایران مبدل گردد.

هیئت حاکمهٔ ایران و بویژه آن شاه برای آنکه این طبقهٔ نیرومند و با شعور، مترقی و انقلابی را در قید استعمار و سلطنت مستبدانه نگاه دارند، ارتدادها پیش پاک، سیاست کارگری، خاص تنظیم گردیده ومرحلهٔ اجراء درآورده‌اند. آنهائی خواهند بکمک این «سیاست کارگری» چهرهٔ واقعی ضد کارگری رژیم را مخفی نگاه دارند. کارگران ایران را بخیال خود شاه پرست بار آورند، و بدینطر فقط هماهنگی طبقاتی و همکاری و همزیستی بهره دهان و بهره‌کشان را در مغز آنها رسوخ دهند ولی از بخت بد این دام گسترانی بدو دلیل طبقه کارگر ایران فریب آنها را نخورده و نخواهند خورد. اول بدلیل سن طولانی انقلابی طبقه کارگر ایران، در آن هنگام که طبقه کارگر ایران در آغاز پیدایش بود و در دورانی که در ایران صنایع ماشینی تنها بصورت جنینی وجود داشت، آگاهی انقلابی و حزب انقلابی کارگری، شعارها و اظهارات و اقدامات کارگری در کشور ما پدید شد. طبقه کارگر ایران در میان طبقات کارگر کشورهای نظیر، واجد یکی از پرسابقه ترین و پرتجربه و خروش ترین تاریخها است. پیشاپیش این طبقه مکاتب سوسیال دمکراسی انقلابی، حزب کمونیست ایران و حزب توده ایرانرا بنا گذارده‌اند. سپس از افراد این طبقه در هیئت سالهای اخیر در مکتب سندیکائی مترقی بزرگترین مکتب شورای متحدهٔ مرکزی کارگران وزحمتکشان ایران پرورش یافته‌اند. عواطف وافکار انترناسیونالیستی در طبقهٔ کارگر ایران نیرومند است. وی حوادث انقلابی جهان و بیشتر خلق‌ها در راه رهائی ملی وطبقاتی در راه صلح و دمکراسی و سوسیالیسم را باشور وشوق تعقیب می‌کند. وی دستهرد های خصمانهٔ خود را در کشورهای سوسیالیستی که از ید استعمارچیان یافته‌اند و مبارزات آنها را در کشور ما هنوز در قید استعمارند می‌بیند. شاه و الیگارشی امپریالیستی او و مبلغان ومنافعش در یاری سعی دارند رژیم سرمایه داری

بقیه در صفحه ۷

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وظیفه مبرم همه نیروهای ملی است

جنبشی که از چندی پیش در خارج از کشور برای آزادی زندانیان سیاسی آغاز شده بتدریج گسترش میابد و استحکام می‌پذیرد. از آنجا که این جنبش نباید گذرا باشد، بلکه برعکس باید هر روز دامنه وسیع تری بخود بگیرد، تا بتواند بهدف خود برسد، نکته است که خصوصیات آن، تجارب که تاکنون بدست آمده، مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد و سمت حرکت آتی آن را بررسی کنیم تا بتوانیم با روشنی وپیگیری بیشتری درانقویت این جنبش بکوشیم.

لزوم مبارزه

نیرو های ملی در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد همواره به ترور پلیسی، به سلب آزادی مردم، به برخی باشکیه به ترور پلیسی و عشوات رژیم متکی بوده پلس میشوند و مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک را در چنین وضعی پیشاپیده میدانند. یعنی دیگر با همین استدلال نتیجه میگیرند که فقط باید برای سرنگونی رژیم مبارزه کرد. بنظر ما این هردو برخورد غلط است و بازیچه دست عناصر ظاهری آنها، هردو ازعدم اعتقاد بمبارزه توده ای ناشی میشود. مبارزه برای دفاع از حقوق و آزادیهای مردم در زمانیکه رژیم هنوز مسلط است با مبارزه برای سرنگونی رژیم نه فقط متفاوتی ندارد، بلکه دارای پیوند ناگسستنی است. درمیزان چنین مبارزه‌ای است که میدان توده‌های مردم را بمرحله نبرد کشانده، اتحاد آنها را بوجود آورده و مستحکم کرده، رژیم را زیر ضربه گرفت، بعقب نشینی وا داشت، تضعیف کرد، و زمینه را برای هجوم همگانی، همه جانبه و قطعی برای استقرار حکومت ملی و دموکراتیک فراهم کرده، دستخوش بعقب نشینی و از مبارزه دست کشیدن و یا مبارزه روزانه و تاکتیکی را رها کردن و به‌اید سرنگونی رژیم نشستن، هر دو هم به مبارزه روزانه و هم به مبارزه عمومی لطمه میزند.

خوشبختانه تجربه مبارزات اخیر که تاکنون منجر به انبعاث منصوری و کامرانی از گروه ۱۴ نفری وموسوی بختیاری از گروه ۵۵ نفری شده‌است نادرستی این هر دو برخورد را بار دیگر آشکار کرد، و ثابت کرد که اگر جنبش نیرومندی بوجود آید واگر اعضاء این جنبش متحداً عمل کنند میتوانند همین رژیم ترور را بعقب نشینی وا دارند و گام های جدی در راه دفاع از جان و آزادی میهن پرستان مبارز بردارند. بهمین جهت است که لزوم مبارزه استفاده از تمام امکانات، پیش‌آیندهای فراهمان تودهها رسوخ میابد، بر پیشاهنگان جنبش است که این نیروی معنوی و یا القوه را به بعقب نشینی باز هم بیشتری وا داشت و گامهای باز هم بزرگتری در دفاع از حقوق و آزادیهای مردم میهن ما برداشت.

شعار مشخص

همه میدانند که مردم میهن ما از ابتدائی ترین آزادیهای متعارف در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، که بتصویب مجلس رسیده، محرومند. استعمار در دیکتاتوری، پشاه و طبقه حاکمه ایران امکان داده است که بدون ترس، از مواهبه بزرگترین جنایتها را بمقام علم‌ها مرتکب شوند. هرگونه مخالفت باین دیکتاتوری و این جنایتها با زندان، شکنجه و اعدام

بقیه درصفحه ۷

دیر تازی در باره

جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران

جنبشی که برای ازادی زندانیان سیاسی ایران شکل گرفته است، در خارج از کشور برای آزادی زندانیان سیاسی آغاز شده بتدریج گسترش میابد و استحکام می‌پذیرد. از آنجا که این جنبش نباید گذرا باشد، بلکه برعکس باید هر روز دامنه وسیع تری بخود بگیرد تا بتواند بهدف خود برسد، نکته است که خصوصیات آن، تجاربی که تاکنون بدست آمده، مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد و سمت حرکت آتی آن را بررسی کنیم تا بتوانیم با روشنی وپیگیری بیشتری درتقویت این جنبش بکوشیم.

لزوم مبارزه

نیرو های ملی در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد همواره به ترور پلیسی، به سلب آزادی مردم، برخی باشکیه به ترور پلیسی و عشوات رژیم متکی بوده پلس میشوند و مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک را در چنین وضعی بیشاپیده میدانند. یعنی دیگر با همین استدلال نتیجه میگیرند که فقط باید برای سرنگونی رژیم مبارزه کرد. بنظر ما این هردو برخورد غلط است و بازیچه دست عناصر ظاهری آنها، هردو ازعدم اعتقاد بمبارزه توده ای ناشی میشود. مبارزه برای دفاع از حقوق و آزادیهای مردم در زمانیکه رژیم هنوز مسلط است با مبارزه برای سرنگونی رژیم نه فقط متفاوتی ندارد، بلکه دارای پیوند ناگسستنی است. درمیزان چنین مبارزه‌ای است که میدان توده‌های مردم را بمرحله نبرد کشانده، اتحاد آنها را بوجود آورده و مستحکم کرده، رژیم را زیر ضربه گرفت، بعقب نشینی وا داشت، تضعیف کرد، و زمینه را برای هجوم همگانی، همه جانبه و قطعی برای استقرار حکومت ملی و دموکراتیک فراهم کرده، دستخوش بعقب نشینی و از مبارزه دست کشیدن و یا مبارزه روزانه و تاکتیکی را رها کردن و به‌اید سرنگونی رژیم نشستن، هر دو هم به مبارزه روزانه و هم به مبارزه عمومی لطمه میزند.

خوشبختانه تجربه مبارزات اخیر که تاکنون منجر به انبعاث منصوری و کامرانی از گروه ۱۴ نفری وموسوی بختیاری از گروه ۵۵ نفری شده‌است نادرستی این هر دو برخورد را بار دیگر آشکار کرد، و ثابت کرد که اگر جنبش نیرومندی بوجود آید واگر اعضاء این جنبش متحداً عمل کنند میتوانند همین رژیم ترور را بعقب نشینی وا دارند و گام های جدی در راه دفاع از جان و آزادی میهن پرستان مبارز بردارند. بهمین جهت است که لزوم مبارزه استفاده از تمام امکانات، پیش‌آیندهای فراهمان تودهها رسوخ میابد، بر پیشاهنگان جنبش است که این نیروی معنوی و یا القوه را به بعقب نشینی باز هم بیشتری وا داشت و گامهای باز هم بزرگتری در دفاع از حقوق و آزادیهای مردم میهن ما برداشت.

شعار مشخص

همه میدانند که مردم میهن ما از ابتدائی ترین آزادیهای متعارف در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، که بتصویب مجلس رسیده، محرومند. استعمار در دیکتاتوری، پشاه و طبقه حاکمه ایران امکان داده است که بدون ترس، از مواهبه بزرگترین جنایتها را بمقام علم‌ها مرتکب شوند. هرگونه مخالفت باین دیکتاتوری و این جنایتها با زندان، شکنجه و اعدام

بقیه درصفحه ۷

سیاسی مستحکمتر گردید و خودمانی امید بخش تویی برای مبارزات آینده پیدا شد.

برای آنکه خوانندگان گرامی بتوانند منظره عمومی فعالیتهائی انجام شده را در برابر خود داشته باشند در زیر خلاصه ای از این فعالیتها درج میگردد.

ایران

تشکیلات تهران، حزب توده ایران، طی اعلامیه ای رژیم پلیس حاکم بر مردم میهن ما را افشاء کرده و بمحاکمات و محکومیتهای اخیر بویژه باحکام اعدام در باره رفقا خاوری و حکمت جو و آقای موسوی بختیاری اعتراض کرده است.

سازمانهای دانشجویان ایرانی در خارج از کشور

دانشجویان ایرانی درخارج از کشور که در مورد گروه ۱۴ نفری فعالیت شایان تحسینی از خود نشان داده‌اند این بار نیز در صف مقدم جنبش دفاع از گروه هشت نفری و ۵۵ نفری قرار گرفتند. کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی ضمن اعتراض به محکومیتهای اخیر از سازمانهای وابسته بخود خواست که جنبش اعتراضی جدید را سازمان دهند. بدنبال اعلامیها و دستور کنفدراسیون، اعتراضیهای کشوری در تمام کشور های اروپا و در ایالات متحده امریکا، در مقابل سفارتهای ایران، در برابر کنسولگریها و هیئتهای سیاسی و در مقابل سازمانهای بین‌المللی و شخصیتهای معروف جهانی مطرح گردیده و با مراجعه به مطبوعات و رادیو ها، سازمانهای دانشجویی و اجتماعی و شخصیتهای

بقیه در صفحه ۶

به خسرو روزبه

تاریخ که بر باد رود رنج و سرورش

هشت سال از شهادت خسرو روزبه میگذرد.

تاریخ که برباد رود رنج و سرورش
تازه بسراوار به گردان قهرمانش

یك گرد که در معبد تاریخ قنا گشت
همپایه همی دان به هزار و به کروش

جاوید شد آن گرد که جان بهر وطن باخت
پرخطر شد آن خلق که خسرو شده پورش

لرزید دل شاه چو از چهرهٔ اعدام
بخشید فریو سخن پر شر و شورش

بیاید شد آن مضطرب اش نزد قرورش
بیاید شد آن طعمه اش نزد قرورش

او یادرهٔ همت ز سر اژد جهانید
دشمن بوحل مانده همه باد و سنورش

او راه فنا رفت بچشمان گشاده
زد خنده بخصم وطن و باعث کورش

دیرود صدو پیکر او خست به پولاد
امروز جهان گل شد بر سر گورش

در شهر شیوران بود او خسرو جاوید
تابنده بر اکناف وطن منبع نورش

دوستان ! دستها را بسوی هم بیاورید !
دستها را با پیمان اوین بفشرید ! بروید بسوی پویهٔ بزرگبیرانی‌امید های بزرگ ! بروید بسوی زورهای دشوار ولی افتخار آمیز ! بگذارید که در خون تاریخ معاصر، آیندهروشن نطفه‌بندد، بگذارید تا از پیکر فرسوده ما خنده های مارمانك بدرخشد. مرغان خونین دلها را در آسمان نبرد رها کنید ! بگذارید تا تندر سرودها بتره . . . و این سپیده دمی است که آغاز میشود.

زنده باد با رویزیونیسم چپ

۱ - رویزیونیسم چیست

رویزیونیسم از واژه «رویزیون» بمعنای تجدید نظر آمده است ، لذا رویزیونیسم از جهت معنای تحت‌اللفظ خود یعنی: تجدیدنظر طلبی . ولی معنای تحت اللفظ این واژه چیزی را نمیفهماند و باید تعریف علمی خاصی را که از این واژه ، از این اصطلاح میشود ، بدانیم .

رویزیونیسم بمعنای علمی خود یعنی تجدید نظر کردن در برخی احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم بدون آنکه شرایطی عینی ضرور برای چنین تجدید نظری وجود داشته باشد .

ذکر عبارت « بدون آنکه شرایط عینی ضرور » وجود داشته باشد، لازم است زیرا اگر این شرایط وجود داشت و ما از ایجاد تغییر و تحول لازم در حکم معین مارکسیسم - لنینیسم سرباز بزنیم و حکم کهنه شده و یا منسوخ را تکرار کنیم ، دچار خطای دیگری میشویم که دگماتیسم یا شیوه جزمی نام دارد .

لذا دگماتیسم یا شیوهٔ جزمی ، درست برخلاف رویزیونیسم یا روش تجدید نظر طلبی و بدعت، یعنی حفظ برخی احکام واصول مارکسیسم در شرایطی که بطور عینی آن احکام دیگر کهنه شده و صحت واثر بخشی خود را از دست داده‌اند.

روش صحیح نه رویزیونیسم و بدعتگری است و نه دگماتیسم و شیوهٔ جزمی . روش صحیح عبارت است از برخورد نقادانه و خلاقانه به تئوری ، یعنی ارزیابی و سنجش تئوری انقلابی در پرتو حوادث، واقعیات، داده‌ها، تجارب مثبت ومنفی، درمهمای مثبت و منفی و سپس عمل کردن تئوری انقلابی با احکام نوین ، عوض کردن احکام کهنه شده ، بسط فرمولبندیها ، آوردن مقولات تازه ، کنار گذاشتن مقولاتی که دیگر کهنه شده است و غیره و غیره .

رویزیونیسم در احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم هم از چپ و هم از راست صورت میگیرد ، از راست : یعنی در سمت منافع بورژوازی ، در سمت انحراف از اغتشاب اجتماعی ، در سمت گرش و تسلیم در مقابل سیر خود بخودی واحتراز از اجراء نقش انقلابی تکامل اجتماعی ، در سمت اپورتونیسم . از چپ : یعنی در سمت رویسیات انقلابیگری کلاب خرده بورژوازی ، در سمت «تازاندن» و تسریع ولوتاریستی و تحمیلی بروسه تکامل اجتماعی ، در سمت ماجراجوئی ، در سمت مطلق کردن نقش عامل آگاه نهضت و ناچیز گرفتن شرایط عینی .

تاریخ پیش از یکقرن سوسیالیسم علمی بروز دو نوع بدعتگری را از چپ و راست نشان میدهد. تاریخ مارکسیسم - لنینیسم در ایران نیز همین منظره را عرضه میدارد . اخیراً دفاع خلیل ملکی در دادگاه نظامی ازطرفی وانتشار جزوه «مصوبات کنفرانس دوم» انتشاربوسیله جدید حزب توده، ازاینطرف ویگر نشان داد که دو انشعاب قدیم و جدید حزب بترتیب در دو مش انحرافی رویزیونیسم راست و چپ گام برمیدارند . برای تنقیح روش حزب ، روشن ساختن محتوی دو نوع رویزیونیسم سودمند است ، زیرا این عمل روشن میکند که ما با چه چیز موافقیم . باید خط فاصل بین مشی حزب طبقهٔ کارگر و دو انحراف چپ و راست از این مشی ترسیم گردد تا مبارزان حزب ما بدانند چه چیز را میپذیرند و چه چیز را رد میکنند .

۲ - دعوای رویزیونیسم راست

رویزیونیسم راست که بشکل سوسیال رفورمیسم بروز میکند ، حتی در مواردی که مارکسیسم را کلا و لفظاً قبول دارد ، در مهمترین و حیاتی ترین احکام آن تجدید نظر میکند . دعوای رویزیونیسم راست چنین است :

برای تحول اجتماع و رفتن بسوی سوسیالیسم انقلاب اجتماعی ، انتقال قدرت حاکمه بدست پرولتاریا، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا ضرور نیست، میتوان با اجراء یك سلسله اقدامات رفورمیستی در چارچوب نظام موجود، تدریجاً جامعه را بسوی سوسیالیسم راند .

حتی در صورت مجاز بودن مبارزه انتقالی و علنی سوسیالیستی در جامعه سرمایه داری باید از حزب مخفی انصراف جست . تنها مبارزه علنی و قانونی مجاز است . تنها از طریق تحولات پارلمانی میتوان و باید به نتیجه رسید . باید کلیه شرایط لازم را برای شرکت در دولتها ایجاد کرد و از طریق قانونگذاری بهدف رسید .

براین اساس سوسیال رفورمیستها (بویژه جناح راست احزاب سوسیال دموکرات) سرمایه داری را وا میدارند و معتقدند که سرمایه داری کلاسیك درکار تبدیل شدن بسرمایه داری جدید (توکناپالیسم) است که یك سرمایه داری خلقی ، یك «جامعه‌رفاه عمومی» یك جامعهٔ «صنعتی» است . در این جامعه استثمار و مبارزهٔ طبقاتی در کار زوال یافتن ، خاموش شدن است .

براین اساس سوسیال رفورمیستها کمونیسم و کشور های سوسیالیستی و نیرو های انقلابی را میکوبند و مبارزه آنها علیه کمونیسم بمراتب از مبارزه آنها علیه سرمایه داری حاد تر و وسیعتر است .

براین اساس سوسیال رفورمیستها باامپریالیسم همکاری میکنند و در موارد متعددی نقش کاملا ارتجاعی و ضد خلقی و ضد بشری ایفاء میکنند و همدست امپریالیسم و استعمارند و در مهم علیه خلقها قرار میگیرند .

خلیل ملکی ، چنانکه مدافعانش در دادگاه نظامی نشان داده است کاملا در موضع سوسیال رفورمیسم از بدترین انواعش قرار گرفته است،زیرا سوسیال رفورمیسم خود را در خدمت استبداد سلطنتی خاندان پهلوی قرار میدهد.

۳ - دعوای رویزیونیسم چپ

رویزیونیسم چپ بصورت انواع نظریات بسیاری از کشور های مشابه کمتر است . بنا بر این اولین قدم اساسی در راه تجهیز پس انداز ملی اینست که دولت مالیات بیشتر وصول و بمصرف سرمایه گذاری برساند» (مجله بانك مرکزی شماره ۱۹) ولی آقای محمد خسرو شاهی ، رئیس اطاق بازرگانی عقیده خود را که در واقع عقیده تمام صاحبان سرمایه بود چنین بیان میداشت : « ... سنگینی مالیاتها نباید سبب عدم رغبت مردم به سرمایه گذاری شود . اگر مراد از دریافت مالیات تحصیل درآمد و سرمایه گذاری دولت باشد ، چرااین امر بعهده خود مردم محول نشود و از آنها گرفته شده بصورت دیگری مصرف گردد» (مجله بانك مرکزی شماره ۳۵)

زمانیکه منصور ، نخست وزیر وقت اعلام داشت که «قانون مالیات بر درآمد ما در آینده با توجه بسیاست اقتصادی دولت یعنی تشویق و ترغیب و حمایت سرمایه گذاری خصوصی و تشویق کسانیکه سرمایه خود را بکار اندازند و از منافع آن مجدداً سرمایه گذاری کنند» تنظیم خواهد شد ، معلوم بود که کدامیك از محافل اقتصادی توانسته است نظر خود را به کرسی بنشاند . سخنان آقای دکتر آموزگار وزیر دارائی هنگام تقدیم لایحه بخوبی نشان داد که تأمین درآمد برای دولت از وظایف فرعی قانون جدید میباشد . متن لایحه مالیات بر درآمد نیز پروشنی نشان میدهد که در «مبارزه» اینکه برای تعیین هدفهای قانون مالیات بر درآمد در گرفته بود ، هواداران آقای خسروشاهی یعنی نمایندگان سرمایه‌های بزرگ پیروز شدند . و این امر با درنظر گرفتن استراتژی رژیم کنونی که هدفش تسریع رشد سرمایه داری در کشور است ، شگفت و غریب نخواهد بود .

لایحه جدید

اگرچه میان گروه های مختلف در باره به نفع کیست ؟ سیاست مالیاتی دولت اختلافنظر وجود داشت ، ولی قبول گذشتهائی به نفع بخش خصوصی مورد توافق تمام آنها بود. چنانکه آقای دکتر مقدم باوجودطرفداری ازاصل «مالیات بیشتر» بخاطرافزایش سرمایه گذاری دولتی،معتقد بود که «اقدام مهمی که میتواند تأثیر زیادی در افزایش پس انداز در بخش خصوصی داشته باشد اینست که قانون مالیات بر درآمد بنحوی اصلاح شود که آن قسمت ازسودخالص کارخانه ها وسایرمؤسسات تولیدی که بمصرف سرمایه گذاری برای توسعه و تکمیل ظرفیت و یا بهبود تولید میرسد از پرداخت مالیات معاف باشد » . آقای خسرو شاهی نیز که نماینده اهل سودا وسرمایه است با وجود آنکه خواستار گذاشتن میزان مالیاتها بود، گذشتهای باز هم بیشتری به نفع سرمایه خصوصی طلب میکرد و میگفت « ... در بخشهائی که لازمه اش تشویق زیادتر است بخشود گی کامل در نظر بگیرند و ... برای سود هائی که در باره بمصرف سرمایه گذاری میرسد معافیتهائی قائل شوند تا بتوان سرمایه ها را به بخشهای لازم اقتصادی جلب نمود» . لایحه جدید نیز علا طوری تنظیم شده است که درنتیجه آن مبالغ هنگفتی که طبق قانون جاری میباست بصندوق دولت واردشود در کیسه سرمایه داران باقی خواهد ماند . باین ترتیب

اختلاف نظر پنهان

مسئله تجدید نظر درقوانین مالیاتی کشور چندین سال متوالی مورد بحث و بررسی مقامات دولتی و محافل اقتصادی کشور بود . برخی پیچیده بودن قوانین مالیاتی و یکسان نبودن اصول و مقررات آن ، اشکالات عدیده در طرز تعیین میزان مالیاتها و نحوه وصول آنها، سوء استفاده سودیان و مأموریین دولتی و «سوء تفاهمات» موجود میان آنها — مسائلی هستند که در باره آنها تمام محافل ذینفع توافق اصولی وجود داشت . ولی آنچه که اساس اختلافات موجود میان گروههای مختلف هیئت حاکمه را تشکیل میداد، مسئله سیاست عمومی دولت در باره مالیاتهای مستقیم و در زمینه این سیاست میزان مالیاتها و نحوه نرخ بندیهای مربوطه بود . برخی طرفدار افزایش مالیاتها و از اینطریق افزایش در آمد دولت بودند و برخی برعکس هوادار کاهش مالیاتها و گذشتهای مالیاتی بنفع صاحبان سرمایه . این اختلاف نظر بصورت آشکار و پرده در پرو نمیکرد و هر یك از طرفین سعی مینمود با اعمال نفوذ نظر خود را بکرسی بنشاند . ولی در عین حال نظریات «متضاد» بدون آنکه وارد بحث آشکار گردد، در مطبوعات منعکس میشد .

آقای دکتر غلامرضا مقدم ، قائم مقام سابق رئیس کل بانك مرکزی با تکیه بعقیدهٔ متخصصین سازمان برنامه چنین اظهار نظر میکرد، «طبق مطالعاتی که توسط کارشناسان اقتصادی سازمان برنامه بعمل آمده نسبت مالیات وصول شده در ایران به درآمد ملی از

لایحه مالیاتی گام دیگری است

که در لایحه جدید به تنها نرخهای مالیاتی به نفع سرمایه داران کاهش یافته است بلکه امتیازات زیادی نیز برای گروههای خلق در نظر گرفته شده است .

طبق قانون جدید نرخهای مالیاتی ، جز در دوموارد ، تماماً کاهش یافته است . کاهش نرخهای مالیاتی میتواند چنین توهمی ایجاد نماید که گویا تمام اهالی یك اندازه از این کاهش نفع خواهند برد. ولی علا چنین نیست. برای اثبات این امر میزان مالیاتی را که گروههای مختلف طبق قانون جاری میپردازند با میزان مالیاتی که طبق قانون جدید باید بپردازند در جدول زیر مقایسه میکنیم (ارقام بهزار ریال) .

میزان درآمد	میزان مالیات طبق : قانون جاری	لایحه جدید	کاهش به درصد
۱۰۰	۶,۲	۶	۳,۳
۳۰۰	۳۹,۲	۳۶	۸,۲
۶۰۰	۱۰۸,۲	۸۷	۹,۶
۱۰۰۰	۲۱۹,۲	۱۷۱	۲۱,۰
۳۰۰۰	۹۸۰,۰	۶۷۰	۳۲,۰
۶۰۰۰	۲۴۰۰,۰	۱۴۹۰	۳۸,۰
۱۰۰۰۰	۴۴۰۰,۰	۲۶۷۰	۳۹,۳

جدول فوق که ما آنرا بر اساس نرخ های قدیم و جدید تنظیم کرده ایم ، بخوبی

لنینیسم! و راست مبارزه کنیم!

سوسیال دلاتکیش بروز میکند. اگر سوسیال رفورمیسم با مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی راه ترمز کردن پروسه انقلابی را میپیماید، سوسیال دلاتکیسم با مطلق کردن عنصر آگاه و شرایط ذهنی راه «تازاندن» ارادی و ولونتاریستی پروسه انقلابی را طی میکند. مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی، تدبدن نقش عنصر آگاه (نقش پیشاهنگان نهضت انقلابی، حزب طبقه کارگر، جبهه نیرو های ملی و دموکراتیک) منجر به اپورتونیسم و تسلیم طلبی میگردد. مطلق کردن عنصر آگاه، و شرایط ذهنی و تدبدن نقش عنصر خود بخودی (رشد قوای مولده، تناسب عینی قوا در جامعه، وضع طبقات، مساعد بودن شرایط عینی داخلی و خارجی برای انقلاب)، منجر به حادثه‌جویی میگردد. یکی از آنها ناشی از تأثیر ایده تولوژی بورژوائی است و دیگری حاکی از انقلابیگری خرده بورژوائی.

در تبلیغاتی که رهبران حزب کمونیست چین در سالهای اخیر بدان دست زدند آثار این بدحکری چپ بیان دیده میشود. شعار مرکزی آنها «تازاندن» انقلاب در جهان و در درون کشورها، از راه توسل باعمال قهر انقلابی بصورت پارتیزانی است، صرفنظر از اینکه شرایط برای این تحول بمعنای علمی کلمه نضج یافته باشد یا نه. بدین ترتیب تجدید نظر بویژه در تاکتیک لنینی انقلاب اجتماعی دوی میدهد. تاکتیک لنینی انقلاب را میتوان چنین خلاصه کرد:

۱ — ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر مبتنی بر وحدت اعتقادی و عمل و انضباط یکسان در صدر و ذیل از عناصر پیشاهنگ طبقه کارگر و دیگر کسانی که ایدئولوژی او را میپذیرند بمثابه ستاد انقلاب.

۲ — افشاگری وسیع برای بیدار ساختن توده‌ها و سوق آنها بطرف مبارزه ورزمهای انقلابی.

۳ — در آمیختن کار مخفی و علنی، مبارزه تئوریک، سیاسی، اقتصادی برای بسط هر چه بیشتر پیوند ستاد انقلاب با توده های وسیع شهر و ده.

۴ — استفاده از شرایط عینی انقلابی (وضع انقلابی) که حتماً درخواهد رسید برای یورش به «دژ دشمن طبقاتی و سرنگون ساختن» بری ری، در صورتیکه دسته بمقاومت تیر آمیز برند از طریق قیام مسلحانه و دیگر اشکال اقدام قهرآمیز. وضع انقلابی را لنین چنین توضیح میدهد: هنگامی که هیئت حاکمه یا بالائیها دچار بحران سیاسی شده اند و دیگر نمیتوانند بشیوهٔ سابق حکومت کنند و هنگامیکه مردم یا پائینیها دچار فقر و محرومیتند و دیگر نمیخواهند بشیوهٔ سابق حکومت شوند و ساختمان برای تحول وضع دست به جانبازی زنند. لنین تصریح میکند که نخواستن پائینیها کافی نیست، نتوانستن بالائیها هم ضرور است.

این تاکتیک انقلابی لنین تاکتیک است خردمندانه، واقع بینانه، علمی و تنها تاکتیک صحیح. در مقابل این روش، اخیراً تاکتیک انقلابی بدعت آمیز دیگری آورده شده است و آن اینکه:

اولا — راه انقلاب تنها راه قهرآمیز است زیرا تاریخ شکل دیگر آنرا نشان نداده است.

ثانیاً — این راه فقط بصورت جنگ مدید مسلحانه انقلابی (پارتیزانی) باید درآید و طی این جنگ باید واحد های پراکنده پارتیزانی بارش انقلابی بدل شوند.

ثالثاً — برای توسل باین جنگ وجود وضع وخیم در جامعه کافی است و نباید منتظر تجمع همه شرایط موسوم به شرایط وضع انقلابی نشست.

رابعاً — حزب طبقهٔ کارگر هم برای شروع کار چندان ضرور نیست و میتوان واحد های حزبی را در داخل همه های مسلح ترتیب داد. میگویند تنها شکل سازمان، ارتش انقلابیست، تنها شکل مبارزه، جنگ انقلابی.

در اینکه این تاکتیک انقلاب با تاکتیک لنینی متفاوت است جای انکار نیست. مگر آنکه مدعیان بگویند که تاکتیک لنینی انقلاب دیگر کهنه شده است و نوبت نوبت این تاکتیک است. مدعیان تاکنون جسارت علنی آنرا نیافته‌اند که چنین ادعائی کنند و شاید هم بگویند تا این تاکتیک غیرلنینی و غیر مارکسیستی را با احتجاجات مقدسه آمیز همان تاکتیک مارکسیستی - لنینیستی جلوه دهند ولی حتی این ادعا نیز انجام نگرفته است و ما چون انجام نگرفته است، آنرا مفروض نمیکنیم. اگر ادعا شود که تاکتیک لنینی انقلاب کهنه شده و الگوی مشروح در فوق است که باید بدور گردد، برای اینکار استدلال علمی لازم است. الگوی لنینی انقلاب بر پایه های خصلت لنینی تئوری مارکسیستی متناسب خود بخودی و آگاهانه تکیه دارد و نمیتوان تصور کرد که چگونه میتوان آنرا عملاً رد کرد. البته برای گفتن سخنان غیر علمی میدان باز است.

گروهی که خود را «سازمان انقلابی حزب توده ایران» نامیده است بویژه با الگوی ماجراجویانه انقلاب گرائیده است و بدینسان در جهت دیویزیونیسم چپ قرار گرفته است.

٤ — نتیجه

مقاله های ما در شمارهٔ پیشین ماهنامهٔ مردم نشان داده است که اختلاف ما با دوانحراف اختلاف شخصی نیست، اصولی است. چون شخصی نیست، باید هم در چارچوب خصوصیات و شخصیت وارد شود. این یك اختلاف اصولی بین لنینیسم و تجدید نظر طلبان چپ و راست در پارهٔ لنینیسم است. باید پرچم پرافتخار آموزش کبیر انقلابی را هم علیه اپورتونیسمها وهم آوانتوریستها بلند کرد. این عملی است لازم ولی از آن لازمتر آنست که در زیر این پرچم با صداقت و لیاقت در جهت انقلاب ایران عمل شود زیرا علم بدون عمل دارای قدرت تأثیر و اقناع نیست.

ت بر درآمد

بزیان زحمتکشان

نشان میدهد که هر قدر میزان درآمد بیشتر باشد میزان مالیات نیز کاهش مییابد. مثلا از میزان مالیات کسی که درآمد سالیانه اش ۱۰۰ هزار ریال است فقط ۳٫۳ در صد کاسته شده و حال آنکه میزان مالیات کسیکه ۱۰ میلیون ریال درآمد دارد بیش از ۳۹ درصد کاهش یافته است. بنا براین قانون جدید کاملا به نفع صاحبان درآمد های کلان تدوین شده است.

علاوه بر این گذشت بزرگ نسبت به مجموع سرمایه داران، معافیتهای زیادی نیز برای گروههای مختلف صاحبان سرمایه در نظر گرفته شده است. مثلا طبق مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ قانون جدید، درآمد کارخانه‌هائیکه بتازگی تأسیس میشوند و نیز درآمد حاصل از توسعه یا تکمیل کارخانه های قدیمی «برای مدت ۱۰ سال از تاریخ بهره برداری» مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود. ماده ۱۰۷ برای انواع فعالیتهای صنعتی بر اساس برنامه های اقتصادی کشور از ۵ تا ۱۰۰ درصد معافیت مالیاتی قائل شده است. برای فعالیتهای بزرگ کشاورزی طی مواد ۱۱۰ تا ۱۱۹ و نیز برای فعالیت ها در رشته خانه سازی و برای شرکتهای کشتی رانی و غیره معافیتهای مختلف پیش بینی شده است. برای شرکتهای سهامی نیز انواع تسهیلات مالیاتی درنظر گرفته شده است. چنانکه طبق شرایط معینی ۲۰ درصد از درآمد مشمول مالیات بعضی از شرکتها از مالیات معاف خواهد بود و یا اینکه برای شرکتهای سهامی مالیات جداگانه تعیین نشده و مالیات بر حسب درآمد سهمی هر یك از سهامداران تعیین خواهد شد. از اینطریق راه جدیدی برای ایجاد شرکتهای سهامی قلابی بمنظور فرار از مالیات صاعدی بر درآمد کل شرکتها بوجود خواهد آمد. بطور کلی در موارد بسیار معافیتهای زیادی برای مدتهای مختلف (چه از تاریخ اجرای قانون و چه از تاریخ بهره برداری مؤسسات) برای سرمایه های بزرگ درنظر گرفته شده است. هدف نهائی قانون جدید آنست که سرمایه های خصوصی بزرگ حتی الامکان از شرکت در هزینه های دولتی معاف شود و امکانات بیشتری برای رشد سرمایه داری در کشور بوجود آید. بیجهت نیست که اطلاعات در این باره منتشر: «فشار مالیاتی در سالهای اخیر موجب شده بود که سرمایه های پراکنده نسبت به تمرکز و ایجاد شرکت های بزرگ و سرمایه گذاری در واحدهای بزرگ اقتصادی رغبتی نشان ندهند. بهمین جهت لازم بود که از طریق مالیاتی حمایت بیشتری برای سرمایه گذاری در واحد های بزرگ اقتصادی بعمل آید. در حقیقت مالیات رهبری رشد اقتصادی را در آینده بدست خواهد گرفت» (۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴).

لایحه جدید و چنین گشاده دستی تا زحمتکشان

۴۰ در صد مالیاتهای

ثروتمندان بزرگ را کاهش میدهد، قانونی که شاه یعنی ثروتمندترین تاجر و پردرآمد ترین بنگاه کشور را مانند قوانین گذشته از مالیات بردرآمد و مالیات برارث معاف میسازد و به «مبنت» ولادت ولایتعهد او را نیز از پرداخت هر گونه مالیات معذور میدارد، چه چیزی نصیب زحمتکشان میسازد؟

بزرگترین گذشت در باره گروههای کم درآمد، بالا بردن نصاب درآمد معاف از مالیات میباشد. طبق قانون جدید نصاب مشمول مالیات از ۴۸ هزار ریال به ۶۰ هزار ریال افزایش یافته است. مالیاتی که صاحب درآمد حد نصاب (۶۰ هزار ریال) اکنون میپردازد ۱۴۴۰۰ ریال در سال و یا ۴ ریال در روز میباشد. این مبلغ فقط ۲٫۴ در صد درآمد چنین شخصی را تشکیل میدهد. و حال آنکه میزان تخفیف مالیاتی برای کسی که سالانه ۱۰ میلیون ریال درآمد دارد به اندازه ۱۷۳ درصد در آمد این شخص یا برابر ۱۷۳۰ هزار ریال است!

علاوه بالا بردن نصاب معافیت مالیاتی از ۴۸ هزار ریال به ۶۰ هزار ریال تغییر چندانی در وضع زندگی اکثریت قاطع زحمتکشان بوجود نیاورده، زیرا این اکثریت بخصوص در روستا در آمدشان کمتر از ۴۸ هزار ریال در سال میباشد. این گروه اهالی اکنون نیز بابت درآمد ناچیز خود مالیات نمیپردازند.

طبق ماده ۱۱۴ لایحه، کشاورزانی که در نتیجه اجرای قانون اصلاحات ارضی مالك یا مستأجر زمین شده و یا میشوند از پرداخت مالیات معاف شده اند. این قسمت از قانون نیز بطور کلی چیزی عاید اکثریت دهقانان نمیسازد، زیرا قطعه زمین کوچکی که دهقانان در نتیجه اصلاحات ارضی بدست آورده اند، درآمدی کمتر از ۶۰ هزار ریال عاید آنها خواهد نمود. تنها دهقانان بسیار مرفه میتوانند تا حدودی از این قانون بهره‌مند گردند و این امر نیز بیشتر مورد نظر تنظیم کنندگان قانون بوده است. زیرا هیئت حاکمه همراه با تلاش خود در تسریع رشد سرمایه داری در روستا، در صدد ایجاد قشر مرفهی از خرده بورژوازی در روستای ایران نیز میباشد. معاف کردن این قشر مرفه از پرداخت مالیات درآمد کشاورزی آنها را تحکیم بخشیده و جریان قشربندی طبقاتی را در ده تسریع خواهد نمود.

باین ترتیب لایحه عملا چیزی نصیب توده های وسیع زحمتکشان نخواهد کرد و قسمت عمدهٔ سنگینی بار مالیاتی کماکان بر دوش آنان خواهد بود.

قانون مالیاتهای مستقیم را باید درارابطه آن با قوانین مربوط مالیاتهای غیر مستقیم یعنی در چارچوب سیستم مالیاتی کشور بررسی نمود، تا بتوان منظره روشن تری از سیاست مالیاتی دولت بدست آورد. مالیاتهای غیرمستقیم در حدود ۷۵ درصد تمام در آمدهای مالیاتی کشور را تشکیل میدهد. و بطوریکه میدانیم

بقیه در صفحه ۶

جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران

دموکرات ، پشتیبانی بسیاری از آنها را برای اعتراض به نقض حقوق و آزادیهای دموکراتیک در ایران جلب کرده.

اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی در آلمان غربی سرود واقعهٔ مهمی بود . از روز ۲۲ تا ۲۹ آوریل به ابتکار کمیته دفاع و سازمان دانشجویان ایرانی در هامبورگ ۴۸ نفر از دانشجویان ایرانی از شهرهای هامبورگ ، مونیخ ، برانشویگ ، کلن ، هانوور گوتینگن ، کلاسفلد ، مونیخ ، کارلسروهه ، برلین غربی ، هایدلبرگ و حومههای دوشهر هامبورگ دست به اعتصاب غذا زدند . این اعتصاب غذای هشت روزه مورد پشتیبانی پرشور همه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و محافل وسیع خارجی قرار گرفت . در روز ۲۶ آوریل مارش سکوتی با شرکت ۴۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی ، آلمانی و دانشجویان خارجی مقیم هامبورگ برگزار شد که در برابر کنسولگری ایران به مجسمهٔ تعدیل گردید.

بیش از ۵۰ نفر از دانشجویان ایرانی در نیویورک در روز ۲۴ آوریل در حالیکه تصاویر حکمت جو و علاوی‌موسوی را همراه با شعارهای «متحد حل میکردند» تظاهر پرداختند . اعلامیه سازمان دانشجویان ایرانی در نیویورک نیز بین نمایندگان مطبوعات جهان در سازمان ملل متحد پخش شد .

در روز اول ماه به چند صد نفر از دانشجویان ایرانی در آلزیش از شهرهای وین ، گراتس ، انسبروک و لاترین با حمل پلاکاتها و شعار های خاص خود در میتینگ عظیم اول ماه به رحمتکشان وین شرکت کردند.

دانشجویان خارجی

دانشجویان خارجی با بارسال نامه ها، تلگرامها، تعلیمنامه ها از جانب سازمانهای ملی خود و یا بصورت شرکت مستقیم در میتینگها و تظاهرات دانشجویان ایرانی در خارج از کشور با میهن پرستان ایرانی ابراز همدردی کردند. از جمله :

کنگره سالیانه اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، نمایندگان دانشجویان ۵۳ کشور جهان در بزلان (اهمدان) ، جمعیت دانشجویان پرتوغال درهامبورگ ، سازمان دانشجویان آلمانی در هامبورگ ، سازمان جوانان آزاد آلمان در رستوک ، سازمان جوانان آزاد آلمان در درسدن ، اتحادیه های دانشجویان پاکستان ، تایلاند ، کره ، سوریه والجزایر جنوبی فرانکفورت ، دانشجویان آلمانی و خارجی در دانشگاه درسدن ، دانشجویان آلمانی و دانشجویان ۲۲ کشور خارجی در دانشگاه رستوک ، سازمان جوانان چکوسلواکی ، دانشجویان خارجی در لایپزیگ ، سازمان های دانشجویان در ایتالیا ، دانشجویان بلغارستان و نمایندگان دانشجویان ۷۰ کشور خارجی مقیم بلغارستان ، فدراسیون دانشجویان ترکیه ، فدراسیون دانشجویان دانشکده علوم سیاسی ترکیه .

سازمانهای بین المللی

سازمانهای بین المللی مطبوعی بسیاری کشورها و محکومیتهای اخیر اعتراض کردند . از جمله :

فدراسیون سندیکائی کارگران جهان ، فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان ، اتحادیه بین المللی دانشجویان . این اتحادیه متعداً ۱۰ هزار کارت پستال در دفاع از زندانیان سیاسی ایران چاپ و پخش کرد. کنفرانس بین المللی دانشجویان ، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات . این فدراسیون متعداً ده هزار کارت پستال در دفاع از زندانیان سیاسی چاپ و پخش کرد . سازمان عفو بین المللی . اجلاس سالیانه بخش آلمانی سازمان عفو بین المللی در هامبورگ ، که در جریان اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی تشکیل بود ، جماعتاً به دولت ایران اعتراض کرد و خریلگ کنفرانس مطبوعاتی با حضور دکتر واقفر شاپلر ، وکیل مدافعی که در جریان محاکمه گروه ۱۸ نفری بازیان رهبر وجه ، رژیم تزور را در ایران افشا کرد . انجمن بین المللی حقوق دانان دموکرات . هیئت رئیسه این انجمن که در ۲ ماه در چکوسلواکی تشکیل جلسه داده بود ، بااتفاق آرا انجام اقدامات وسیعتری را برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران تصویب کرد . جلسه بین المللی جوانان سوسیالیست ، هیئت تحریریه مجله صلح و سوسیالیسم ، جلسه نمایندگان اتحادیه های کارگری ۵۶ کشور ، که در ۲ ماه مه در برلین غربی دموکراتیک تشکیل شده بود ، بنا به پیشنهاد هیئت نمایندگی ایران به دولت ایران اعتراض کرد . نمایندگان اتحادیه های کارگری از ۴۲ کشور ، که در ماه مه در کنگره صدهزار نفر کارگری بافشارشدت شرکت کرده بودند ، تلگرام مشترکی بعنوان اعتراض بدولت ایران مخابره کردند.

علاوه براین در دوم‌ماه‌مه کنول ماینه ، که درون از جانب سوسیالیستها و کمونیستها تشکیل شده بود ، قطعنامه هائی به پشتیبانی از میهن پرستان ایرانی برای رعایت آزادیهای دموکراتیک بصورت رسید .

سازمانهای اجتماعی خارجی

سازمانهای اجتماعی گوناگون خارجی طی تلگرام هائی بدولت ایران به نقض حقوق و آزادیهای دمکراتیک اعتراض کردند . از جمله :

کنفدراسیون عمومی کار فرانسه ، سازمان زنان اتحاد شوروی ، انجمن حقوقدانان اتحاد شوروی ، سازمان میلیونی ضد فاشیست چکوسلواکی ، اتحادیه زنان اسرائیل ، جبهه توده ای میهن پرستان مهاجرت ، جمعیت حقوقدانان دمکرات مجارستان ، گروه فاشر آلمان در برلین دمکراتیک ، اتحادیه کارگران ، سازمان معاملی و اداره رادیوی بنفر رستوک (جمهوری دمکراتیک آلمان) ، ویلیت بیوری حزب کمونیست کانادا . هفتمهای نمایندگی اتحادیه های کارگری جمهوری متحده عرب ، سوریه ، الجزایر ، مراکش و اتحادیه عمومی کارگران عرب ، که در اجلاسیه سدمینهٔ هیئتی کارگری منعقده در ماه مه در برلین شرکت کرده بودند ، اتحادیه کارگران کومینیات تولوتسه رومیه در جمهوری دمکراتیک آلمان ، جمعیت صلح ترکیه .

شخصیتهای خارجی

شخصیت های برجسته علمی ، ادبی ، سیاسی و اجتماعی در کشور های خارجی از جنبش حق طلبانه میهن پرستان ایرانی پشتیبانی کردند . از جمله :

جمعی از نمایندگان پارلمان انگلستان ، گروهی از نمایندگان پارلمان ایتالیا ، شخصیت های برجسته‌ای از فرانسه از جمله نویسندگان مشهوری چون ژان پل سارتر و فرانسوا موریاک ، شخصیتهای برجسته ای از اتحاد شوروی از جمله نویسندگان معروفی چون کیتلاکی ایخوتوف و آلکسندر سولوف ، اسقف اعظم کلیسای پروتستان در آلمان غربی دکتر فریولز واسف دیگری مانند لیوبر ، رئیس دانشگاه و استاندار رستوک ، اقتصاد دان معروف چکوسلواکی کاهاتس ، ۱۳۲۰ نفر از استادان و دانشجویان و دانشجویان و کارمندان مدرسهٔ عالی اقتصاد در برلین ، ۲۳ نفر از برجسته ترین استادان دانشگاه هومبولت در برلین ، رئیس آکادمی علوم آلمان ، استادان ، دانشجویان و کارمندان دانشگاه فریدریش شیلر در ینا (آلمان دموکراتیک) .

۸۴ نفر از شخصیت های ترکیه از جمله سه استاد دانشگاه ، ۱۱ دانشیار ، روزنامه نگار ، سناتور و صدر جمعیت صلح ترکیه ، رئیس فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی ، معاون فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی و عده ای دیگر از آذربایجان ، ۸۰ رئیس اتحادیه های کارگران و کارمندان علمی فرهنگستان علوم تاجیکستان ، عده ای از شاعران و نویسندگان تاجیکستان از جمله میر سید میرشکر ، عبدالله تهاری ، جمشید شنبه زاده ، باقی رحیم زاده ، سالم اولوغ زاده و فاتح ایازی ، بالم صابر نعمت وایر سولد ، یارت میرادل نویسنده مشهور سوئدی .

کمیته های دفاع

کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی ایران که از جانب ایرانیان در کشورهای سوسیالیستی وکشورهای غربی تشکیل شده و همچنین کمیته های دفاع خارجی مانند کمیته دفاع فرانسه بریاست ژان پل سارتر و کمیته دفاع انگلستان بریاست برتراند راسل ، کمیته دفاع ایتالیا بریاست سناتور فورتیو پاری رئیس سازمان مقاومت ضد فاشیستی ایتالیا نیز بنوبه خود با انتشار اطلاعیه ها و رسائل تلگرافها در این جنبش شرکت مؤثر داشته اند .

علاوه بر این گروهی از ایرانیان خارج از کشور مستقلاً بدولت ایران اعتراض کرده اند . از جمله ایرانیان مقیم کویت و قطر .

گروهی از دمکرات های ایتالیائی نیز کلوت پستالی چاپ وپخش کرده اند که با امضاء دمکراتهای ایتالیائی برای نامه ارسال شده است .

مطبوعات و رادیو تلویزیونهای خارجی

در اثر فعالیت میهن پرستان ایرانی در خارج از کشور که از راه احزاب و سازمانهای سیاسی ، سازمانهای دانشجوئی و کمیته های دفاع عمل میکنند ، جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران بطور اعم و مبارزه برای نجات سه نفر میهن پرست محکوم بالعدام بطور اخص ، بشکل وسیع در مطبوعات ، رادیوها وتلویزیونهای خارجی منعکس گردید . صرفنظر از جرائد محلی در کشور های مختلف ، روزنامه های معروفی مانند لوموند (فرانسه) ، دی وات (آلمان غربی) ، نویس دویچلند (آلمان دمکراتیک) ، لونیتا (ایتالیا) ، اومانیته (فرانسه)، تلل سان (وست فالاند) ، گلدانین تریبون (کانادا) اخبار مربوط بنظام قلت و اعتراضات ایرانیان و محافل خارجی را منعکس کردند و با میهن پرستان ایرانی ابراز همبستگی نمودند . رادیوها و تلویزیونهای خارجی از جمله در آلمان دمکراتیک ، آلمان غربی ، کشورهای اسکندیناوی و امریکا جریان اعتراض غذای دانشجویان و اخبار مربوط به جنبش اعتراضی را پخش کردند .

بقیه از صفحه ۵

لایحه مالیات بر درآمد

پرداخت کننده اصلی این قبیل مالیاتها اکثریت زحمتکش اهالی کشور میباشد . قسمت قابل ملاحظه یعنی یك سوم مالیاتهای مستقیم نیز بوسیله تودهٔ زحمتکش پرداخت میشود . در اثر مقانون گسف با وجود آنکه اکثریت مطلق‌اهالی سهم ناچیز از درآمد ملی نصیبشان میشود ، قسمت عمده بار هزینه های دولتی را بر دوش دارند . لایحه جدید قانون مالیات بر درآمد نیز نه تنها کمکی به توده های زحمتکش نخواهد کرد ، بلکه بار مالیاتی را سنگین تر خواهد نمود .

باین ترتیب هدف عمدهٔ لایحه جدید ، تقویت بخش خصوصی سرمایه داری در قبال بخش دولتی آن، تحکیم موقعیت سرمایه های بزرگ و ایجاد تسهیلات بیشتر برای تمرکز سرمایه میباشد . لایحه جدید برخلاف ادعای هیئت حاکمه به تعدیل درآمدها کمك نکرده، بلکه فاصله طبقاتی را بیش از پیش عمیق تر خواهد ساخت .

لایحه قانون مالیات بر درآمد نشاندادکه هیئت حاکمه ایران حتی نظریات گروه تکنوکراتهای امریکا دیده خود را که بیانگه واقع بینی بسیار معدودیکه از چارچوب منافع سرمایه داری خارج نمیشود ، امتیازات نسبی و محدود برای بخش دولتی خواستار بودند ، نادیده میگیرد و درست تسلیم مطلق صاحبان سرمایه میشود . و این امر برای کسانیکه هنوز هم دیده بمراحم شاه و منویات ملوکانه دوخته و چشم از واقعیات بدور ساخته اند میتواند تجربه ای ارزنده باشد .

ما در اینجا یك بررسی کلی از لایحه جدید اکتفا میکنیم . بدیهیست که بررسی همه جانبه و تفصیلی این لایحه محتاج امکان و فرصت بیشتری است .

مسعود

تو ده ایها

بنالم قهرمان توده‌ای را که‌اندرین ظلمت
دل خونین او چون شب چراغی نور می‌پاشد !
سراپا ریش گردد پیکرش از خار و خس،لیکن
درون بیشهٔ پر بیم از رفتن نمی‌ماند ،
نمی‌ترسد . دراین راه‌طلب یکدم نمی‌خسبد.
سراپا عاشق خودشید آزادی است ، بی پروا
بسوی آن افق پویا ، جهان دیگری جوید است.
سرودی نغزمی‌خواند ، دفروغ‌زندگی‌فرداست
*

چو کرم کور اندر گنه و لای بندگی ماندن،
خر وامانده عمری عبث‌را هر سوئی راندن،
بزنجیر ستمکاران تا مردم خمش بودن ،
برای شادی و آزادی مردم نزدیدن ،
مزاید‌امردان‌تیست،انگبن درخودهستی است
که میسوزد ز عشق خلق ، می پوید راه او
چو سربازی مجاهد گامزن اندر سپاه او .
همانا حکمت هستی انسان ، بذل جان‌بهر
براه بخت و آزادی انسانهاست . از اینره
بیون گردان عالم در ره رزم و طلب رفتند.
هم از اینره پو گر خاوری خورشید خاور را
برغم خیل خفاشان طلب نمود در ظلمت،
بلندآواره شد پرویز حکمت‌جو بدین حکمت.
*

ز توضحاك میخواهد بکام خویش قربانی
ز نو در معبد فرعون کین آموز ، دژخیمان
نثار و هدیه را در زیر تیغ جور بنشاند .
بزیر دشنهٔ جلاد ای یاران وفادار!
خروش جمله عالم را بگوش هوش بنیوشید!
شما نیز ای هواداران راه و رسم انسانی
بعد این ستم یا نقمهٔ پیکار بخروشید !

اعتصاب گرسنگی

(بمناسبت اعتصاب گرسنگی دانشجویان ایرانی در اروپا برای نجات جان رفقا علاوی و حکمت جو)

جسمها بی قوه ، رانو نگوان ، در کنج لب
نیست حتی سایه ای پیدا ز رنگ خنده ای
چشمها بی نور ، لبها خشك ، قلب مایوس ،
رائش خشم مقدس — کورهٔ سوزنده ای .
*

گرسنه شیران بی پاکند و کفتار سود
تن بازدارم و از ایشان یکی قربان شود
در سرودی گوار بر خوانند ، آن سوزان سرود
بال بگشاید چو مرغی بر جهان پران شود .
*

باز پرانی که در زندان دژخیمان پست
بیگناه ، بر آسمان نیستی استاده اند
این دلیران را چنان از خویش بیخود کرده‌است
قدر پرانی پاران بجان آماده اند .
*

با چنین همبستگی در رزم با اهریمنان
دامنه‌های حماسی بار دیگر تازه شد
در مصاف سخت با عفونی ضحاك زمان
نام دانشجوی ایرانی بلند آوازه شد .
*

اقتدر آن ساعت که پر میگسترد بوم عدم
لحظهٔ قلقت نبود و ساعت راحت نبود
در خور ما شادمانی سخت پایان مانم
در قبال دشمن واحد بجز وحدت نبود .

بقیه از صفحه ۱

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وظیفه مبرم همه نیروهای دموکراتیک

پایمال داده میشود. بنابر این مبارزه برای آزادی همه دموکراتیک مهم ترین وظیفه همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران است. ولی روشن است که حتی در درون هر شعار مبرمی هم میتوان برحسب اوضاع و احوال مشخص شعار مبرم‌تری را یافت و برجسته کرد. اهمیت این مسئله در آنست که اولا این شعار برای وسیع ترین قشرها مورد قابل فهمتر است. ثانیاً جبهه همگانی بخود میگیرد. یعنی دروراه اختلافات احتمالی بین نیرو های ملی و مخالف رژیم قرار دارد. ثالثاً اجرای آن آسانتر است. پس از یك چنین ارزیابی اجرای آکسیون از میان شعار مبارزه برای آزادیهای دمکراتیك، شعار مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برجستگی خاص پیدا کرده، مورد قبول عموم واقع شده و به شعار عمل همه نیروی مخالف رژیم مبدل گردیده است. چرا بخصوص این شعار؟ زیرا رژیم، تردملی، دمکراتی، مذهبی، کمونیست و سوسیالیست و همه کسانی را که بشکلی و بدرجه‌ای بمخالفت بلوی برمیخیزند تعقیب قرارمیدهد. بنابر این اگر رژیم جنایتکار شاه بمخالفت باخود قرار داده و مردم را بصرف داشتن عقیده ای مخالف با سیاست رژیم بزندان میاندازد و یا زیرپا گذاشتن همه قوانین بحبس و اعدام محکوم میکند، چرا فریادش رژیم خونین خیانتکار که در مسائل سیاسی و مسلکی با یکدیگر دارند نمیتواند و نباید مجدداً بروی جلاد خود بلند کند؟

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مسائلی را قبل تحت تعقیب قرار دادن مردم بجرم داشتن عقیده مخالف، شکنجه، دستگاه ترور و جاسوسی، سلب امنیت، دادگاههای غیرقانونی نظامی ونظائر آنرا مطرح میسازد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی میتواند مسئله عمومی، از بین بردن دستگاه شکنجه، اعلان سازمان امنیت، استقرار دادگاههای قانونی برای رسیدگی بجرائم سیاسی را مطرح سازد. و از آنجا که رژیم بویژه در این مسائل دارای نقاط ضعف فراوانی است، یعنی هیچ مرجع بیطرف داخلی و خارجی نمیتواند بررفتاریهای رژیم در زمینه حقوق آزادیهای دمکراتیك صحه بگذارد، امکان جلب حمایت محافل بین‌المللی و تحت فشار قرار دادن رژیم بیشتر است. بهمین جهت شعار مشخص مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که صحت خود را در جریان مبارزه نشان داده، باید حفظ شود. بتدریج که مبارزه بسط مییابد، نیروهای جدیدی را دربرمیگیرد، اتحاد نیروها محکمتر میشود و امکانات نوینی بدست میآید. میتوان باتحلیل بجدید و مشخص اوضاع این شعار را هم بسط داد.

نتایج اتحاد

جنبش ملی و ملد استعماری میهن ما خوشبختانه به آن حد از رشد رسیده است که در لزوم اتحاد نیرو های ضد رژیم تردیدی نداشته باشد. ولی بسا کمال تأسف در عمل ما هنوز از این مرحله بدوریم. هنوز کسانی هستند که برای اتحاد نیرو های ملی شروط و استثنائاتی قائلند. اینگه رژیم از این تفرقه نیرو های ملی سود میبرد روز بروز بیشتر آشکار میشود. واینکه اتحاد حتی در مقیاس کوچك - یعنی در مبارزه بسرای دفاع از زندانیان سیاسی - بلافاصله نتایج مثبت خودرا آشکار کرد، اکنون برهمگان روشن است. همه دیدند که وقتی توده ای از زندانی عقیده وسراسرایران دفاع کند و هواداران جبهه ملی از زندانی توده‌ای واین دو همراه باهمه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران بدفاع از حقوق و آزادیهای مردم ایران برخیزند، چگونه جنبش نوین پیدا میگیرد، چه هیبت دامنه داری آغاز میشود، چگونه روشنفکران دمکرات وسراسرایران به نتایجی بدست میآید. بهمین جهت آنچه اکنون مهم است، تأیید اتحاد در حرف نیست، بلکه تحقق آن در عمل است. حفظ همکاری بوجود آمده، بسط و تعمیق آن است. زیرا اگر رژیم همچنان میهن پرستان را بسا گناهی دربند میکشد وبقتل میرساند، اگر همچنان در پایمال کردن بدیهی ترین آزادیها و حقوق مردم بی پروا است، صرفنظر از ارور فضرسوزنها و کشفرامیون های کوکوری مبارزه کرد تا زندگی سندیکائی بتدریج جا و اهمیت و قدرت درخورد خود را در جامعه ما بیابد.

کارگران و رحمتکشان ایران!

در راه حقوق حقهٔ صنفی و کوکوری خود مبارزه کنید، اصلاح و اجراء قوانین کار و سازمان بیمه‌های اجتماعی و تصویم آن را با شرکت نمایندگان منتخب کارگران در کوکاهها و کارخانه های سراسر کشور بخواهید. دراه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی که دارای اساسی بیکاری مزمن و موجب بالا رفتن تقلی کارگران در جامعه است، مبارزه کنید. برای تعیین حداقل دستمزد باتوجه بشاخص هزینه‌زندگی مبارزه کنید، برای شناختن کامل وصلی حق انتصاب که تنها سلاح طبقهٔ کارگر است طبق‌موازین بین‌المللی مبارزه کنید! باشعارهای فوری‌وعینی مبارزه‌طلبید! برای پائین آوردن ساعات کار تاحدوسیکه در قانون کار و قوانین بین‌المللی ذکر شده است مبارزه کنید. برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید. زندگی و مبارزه سندیکائی را بسط دهید. نقش شایسته خود را در حیات اجتماعی ایفاء نمائید. جنبش همبستگی را برای دفاع از حقوق هم صنفان و بیکاران بسط دهید.

چا مادر که کارگران ایران با الهام از سنن انقلابی خود، باتوجه بمسئولیت و رسالت تاریخی خود با توجه بوضوح وقت انگیز و گمران روزانه خود، علی‌رغم همه متوانیها وخطرات، چقلقه مبارزه کنند. زیرا کنها راه نجات: سازمان و مبارزه علنی خلاقانه و جسورانه است.

پیروزباد نیرو مقدس کارگران ایران.

زنده‌باد حزب توده ایران - حزب طبقهٔ کارگر ایران.

کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران

* * *

این اعلامیه در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۵ برابر با اول مه ۱۹۶۶ از رادیو پیك ایران پخش شده است.

همونطن که همونطن کسی‌دوست نمیداشت که با خواندن یك ورد طلسم جنی‌می‌شکست، گنج نهان سینه میگشود. ولی کیمی است، کی، بفرید همواری، بی خشم و اشك، بی رنج و رشك، بی خندان فشرده بر جیگر، باید گوهر شبچراغ را از اعماق رنج کاهت. باید با سری پر از خورشید، باتوانی بی تمام بسوی نیرد رفت. نیرد: آیست سعادت.

همونطن عزیز! رفقای حزبی!

بآدرس زیرین در استکهلم (سوئد) بارادیو پیك ایران، مامنامه مردم، مجله دنیا و سیمینارهای بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو ومطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال کنید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

رادیو پیك ایران

همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعدازظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ - ۳۱ متر برنامه پخش میکند.

رادیوی پیك ایران زبان گویای همهٔ میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است.

رادیوی پیك ایران را بشنوید وشنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید.

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

را در چشم کارگران بیاراید و با عوامفریبی های رژیم قانون میفت کنی و پوشانی سرپوم گردن کارگران در سرد و امثال آن کارگران را به این سیستم بیدادگرانه اجتماعی دل بسته کنند ولی طبقهٔ کارگر در ایران که ذوق عظیم اعتصابی را در امریکا و اروپای غربی می‌بیند، بخوبی درك می‌کند که سرمایه داری حتی در بالاترین حد رشد خود نیز نمیتواند برآورنده خواستهای‌مادی واجتماعی واقتصادی کارگران باشد و این تنها تحقق آرمان سوسیالیستی است که می‌تواند بدوران اسارت کار در زنجیر سرمایه خاتمه دهد.

این نخستین دلیل آنکه کارگران ایران در دام تبلیغات دروغین رژیم منه ملی و منه دموکراتیك نمی‌افتند.

دلیل دوم وضع مشخص زندگی آنهاست. وضع زندگی طبقه کارگر ایران نه چندان بهو تیره است که بتوان آنرا خودسرانه تحمیل کرد. کارگران ایران از همه چیز محرومند: مسکن، استراحت، بهداشت، مزد کافی، بیمه، تأمین در قبال بیکاری، تأمین در قبال سوانح کار و غیره، بسط مبارزات مطالباتی برای تأمین نیازمندیهای کارگران وجلوگیری از اخراج بیکاری و مبارزه برای بسر کار رفتن بیکاران خود بهترین وسیله تشکل و رشد آگاهی اجتماعی کارگران ایران است.

کارگران و رحمتکشان ایران!

تجارب انکار ناپذیر واقعیات میتن ثابت کرده است که رژیم منه ملی و منه دموکراتیك موجود برحسب ماهیت خود دشمن کارگران است و از آنها میترسد و می‌خواهد بکمك سازمان امنیت کارگران ایران را مرعوب سازد و بدا عوام فریبیهای توخالی آنها را گمراه نماید.

تجربهٔ نجات واقعی کارگر ایران برپیوند شدن بسیاط رژیم‌موجود واستقرارنیات حکومت‌ملی ودموکراتیك است. طبقه کارگر ایران که دارای سنت طولانی انقلابی و تجارب فراوان مبارزه است. بشدت در پیروز ساختن این آرمان اساسی مردم ایران، در راه استقرار یك کمیتهٔ سندیکال سیاسی و اجتماعی کشور را تأمین کند و در جاده تأمین نیرو کوشی و ترقی و رفاه عمومی گام بردارد. تنش برجسته خود را ایفا نماید. شرکت در مبارزه سیاسی حق و وظیفه کارگران ایرانست. رژیم موجود مرتباً کارگران را از شرکت درسیاست ممنوع میسازد و خود عملا می‌کوشد تا آنجاکه بتواند از آنها بیرای مقاصد سیاسی منه ملی خویش استفاده کند. کارگران باید در سیاست و مبارزه شرکت ورزند ولی نه آن سیاستی که رژیم خواستار آنست. طبقه کارگر ایران باید برای اتحاد کلیه نیرو های ملی و دموکراتیك، برای اتحاد با برادران سندیکش معطل که مهمترین متحد وی درمبارزه اجتماعی است، برای اتحاد عمل با کلیه سازمانها و عناصر مخالف رژیم مبارزه کند وبنماسر تفرقه افکن وعوامفریب های چپ و راست میدان ندهد.

مبارزه سندیکائی در شرایط کنونی امکان فعالیت علنی را نزد در چارچوب مطالبات صنفی برای کارگران فراهم می‌کند ولی طبق قانون تشکیل انجامیه های صنفی مجاز است. بایسته بنا استفاده مدبرانه از شرایط کوشید سندیکا های خود را هر جا که چنین سازمانی وجود ندارد احداث کرد. یکی از ترسیم‌های دائمی حزب ما آنست که کارگران در سندیکا های موجود دولتی شرکت جویند ویکوشند قانون سندیکاها را بجریه جدی مبارزات صنفی مبدل نمایند. بایسته کوشید از درخل این سندیکاها رسم انتخابات آزاد تعلیمات و خواست منفی کارگران را متمکن سازند.

تجارب سالهای اخیر نشانی داده است که بارها کارگران توانسته‌اند ازطریق سندیکاها علنی خواست های حقهٔ خود را پیاده بکنند و در راه تحقق آنها مبارزه کنند. وظیفهٔ آگاه ترین افراد کارگر تشکیل صحیح کار سندیکائی را بیابند و ازهمه امکانات قانونی و علنی برای بسط مبارزات صنفی و مطالباتی استفاده کنند. باید در راه تجمع سندیکاها و ایجاد فدراسیونها و کنفدراسیون های کوکوری مبارزه کرد تا زندگی سندیکائی بتدریج جا و اهمیت و قدرت درخورد خود را در جامعهٔ ما بیابد.

کارگران و رحمتکشان ایران!

در راه حقوق حقهٔ صنفی و کوکوری خود مبارزه کنید، اصلاح و اجراء قوانین کار و سازمان بیمه‌های اجتماعی و تصویم آن را با شرکت نمایندگان منتخب کارگران در کوکاهها و کارخانه های سراسر کشور بخواهید. دراه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی که دارای اساسی بیکاری مزمن و موجب بالا رفتن تقلی کارگران در جامعه است، مبارزه کنید. برای تعیین حداقل دستمزد باتوجه بشاخص هزینه‌زندگی مبارزه کنید، برای شناختن کامل وصلی حق انتصاب که تنها سلاح طبقهٔ کارگر است طبق‌موازین بین‌المللی مبارزه کنید! باشعارهای فوری‌وعینی مبارزه‌طلبید! برای پائین آوردن ساعات کار تاحدوسیکه در قانون کار و قوانین بین‌المللی ذکر شده است مبارزه کنید. برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید. زندگی و مبارزه سندیکائی را بسط دهید. نقش شایسته خود را در حیات اجتماعی ایفاء نمائید. جنبش همبستگی را برای دفاع از حقوق هم صنفان و بیکاران بسط دهید.

چا مادر که کارگران ایران با الهام از سنن انقلابی خود، باتوجه بمسئولیت و رسالت تاریخی خود با توجه بوضوح وقت انگیز و گمران روزانه خود، علی‌رغم همه متوانیها وخطرات، چقلقه مبارزه کنند. زیرا کنها راه نجات: سازمان و مبارزه علنی خلاقانه و جسورانه است.

پیروزباد نیرو مقدس کارگران ایران.

زنده‌باد حزب توده ایران - حزب طبقهٔ کارگر ایران.

کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران

* * *

این اعلامیه در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۵ برابر با اول مه ۱۹۶۶ از رادیو پیك ایران پخش شده است.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وظیفه مبرم همه نیروهای دموکراتیک

بقیه از صفحه ۱

پایمال داده میشود. بنابر این مبارزه برای آزادی همه دمکراتیك مهم ترین وظیفه همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران است. ولی روشن است که حتی در درون هر شعار مبرمی هم میتوان برحسب اوضاع و احوال مشخص شعار مبرم‌تری را یافت و برجسته کرد. اهمیت این مسئله در آنست که اولا این شعار برای وسیع ترین قشرها مورد قابل فهمتر است. ثانیاً جبهه همگانی بخود میگیرد. یعنی دروراه اختلافات احتمالی بین نیرو های ملی و مخالف رژیم قرار دارد. ثالثاً اجرای آن آسانتر است. پس از یك چنین ارزیابی اجرای آکسیون از میان شعار مبارزه برای آزادیهای دمکراتیك، شعار مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برجستگی خاص پیدا کرده، مورد قبول عموم واقع شده و به شعار عمل همه نیروی مخالف رژیم مبدل گردیده است. چرا بخصوص این شعار؟ زیرا رژیم، تردملی، دمکراتی، مذهبی، کمونیست و سوسیالیست و همه کسانی را که بشکلی و بدرجه‌ای بمخالفت بلوی برمیخیزند تعقیب قرارمیدهد. بنابر این اگر رژیم جنایتکار شاه بمخالفت باخود قرار داده و مردم را بصرف داشتن عقیده ای مخالف با سیاست رژیم بزندان میاندازد و یا زیرپا گذاشتن همه قوانین بحبس و اعدام محکوم میکند، چرا فریادش رژیم خونین خیانتکار که در مسائل سیاسی و مسلکی با یکدیگر دارند نمیتواند و نباید مجدداً بروی جلاد خود بلند کند؟

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مسائلی را قبل تحت تعقیب قرار دادن مردم بجرم داشتن عقیده مخالف، شکنجه، دستگاه ترور و جاسوسی، سلب امنیت، دادگاههای غیرقانونی نظامی ونظائر آنرا مطرح میسازد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی میتواند مسئله عمومی، از بین بردن دستگاه شکنجه، اعلان سازمان امنیت، استقرار دادگاههای قانونی برای رسیدگی بجرائم سیاسی را مطرح سازد. و از آنجا که رژیم بویژه در این مسائل دارای نقاط ضعف فراوانی است، یعنی هیچ مرجع بیطرف داخلی و خارجی نمیتواند بررفتاریهای رژیم در زمینه حقوق آزادیهای دمکراتیك صحه بگذارد، امکان جلب حمایت محافل بین‌المللی و تحت فشار قرار دادن رژیم بیشتر است. بهمین جهت شعار مشخص مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که صحت خود را در جریان مبارزه نشان داده، باید حفظ شود. بتدریج که مبارزه بسط مییابد، نیروهای جدیدی را دربرمیگیرد، اتحاد نیروها محکمتر میشود و امکانات نوینی بدست میآید. میتوان باتحلیل بجدید و مشخص اوضاع این شعار را هم بسط داد.

نتایج اتحاد

جنبش ملی و ملد استعماری میهن ما خوشبختانه به آن حد از رشد رسیده است که در لزوم اتحاد نیرو های ضد رژیم تردیدی نداشته باشد. ولی بسا کمال تأسف در عمل ما هنوز از این مرحله بدوریم. هنوز کسانی هستند که برای اتحاد نیرو های ملی شروط و استثنائاتی قائلند. اینگه رژیم از این تفرقه نیرو های ملی سود میبرد روز بروز بیشتر آشکار میشود. واینکه اتحاد حتی در مقیاس کوچك - یعنی در مبارزه بسرای دفاع از زندانیان سیاسی - بلافاصله نتایج مثبت خودرا آشکار کرد، اکنون برهمگان روشن است. همه دیدند که وقتی توده ای از زندانی عقیده وسراسرایران جبهه ملی دفاع کند و هواداران جبهه ملی از زندانی توده‌ای واین دو همراه باهمه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران بدفاع از حقوق و آزادیهای مردم ایران برخیزند، چگونه جنبش نوین پیدا میگیرد، چه هیبت دامنه داری آغاز میشود، چگونه روشنفکران دمکرات وسراسرایران به نتایجی بدست میآید. بهمین جهت آنچه اکنون مهم است، تأیید اتحاد در حرف نیست، بلکه تحقق آن در عمل است. حفظ همکاری بوجود آمده، بسط و تعمیق آن است. زیرا اگر رژیم همچنان میهن پرستان را بسا گناهی دربند میکشد وبقتل میرساند، اگر همچنان در پایمال کردن بدیهی ترین آزادیها و حقوق مردم بی پروا است، صرفنظر از ارور

م. توشه

روزنامه «اومانیته» در شماره ۲۷ مه ۱۹۶۶ خود اطلاع میدهدکه آقای «ژول شومه» وکیل مدافع و رئیس انجمن حقوقدانان بلوریك که اخیرا از طرف اتحادیه بین المللی حقوقدانان دموکرات به تهران اعزام شده بود اجازه یافته است که بعنوان ناظر در دادگاه تجدید نظر رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو اعضاء حزب توده ایران شرکت نماید.

اندونزی ۶۵ ـ ۶۶

ای کرانه های بکر که جز از بوسه های دریای گرم خبر نداشتید
با این امواج خون آلود چگونه‌اید ؟
سیل پیکر های بی سر ،
تل سر های دژم !
همراه زوزه وحشی
همراه موبه دلشکاف ،
آه ای کرانه های بکر با این امواج خون آلود چگونه‌اید ؟

❀

پرتس‌ها ، قاناتیك‌ها در پیشایش میشتابند
آنها شمشیر های تیزودشنه های کند دارند
در زیر بالم‌های لرزان
و جنگل های همیشه سبز
اعضاء سازمانهای دهقانی را سرمیبرند !
سرها را بدرختها می‌آویزند ، دریش کلبه‌ها کـود میکنند،
تن‌ها را درشط می‌افکنند .
طعمه برای تمساحان فراوان
طعمه برای کوسه ماهی‌ها فراوان است .
و در این نیمه دوم قرن بیست
درجزایر زمرد رنگ خون عفیق میجوشد.
و سایه هولناك امپریالیسم
روی جوخه کشتار کنندگان افتاده
سایه خریولهای وال استریت
که واژه « کمونیسم » آنها را مرتعش میکند .

❀

صدها هزار انسان ،
صدها هزار پیر ، جوان ، سالمند ، کودك ، زن ، مرد
صدها هزار دانشجو ، کارگر ، روستائی ، مسلمان ، بودائی
صدها هزار انسان که فلسفه مارکس میآموختند و به آینده می‌اندیشیدند
صدها هزار انسان، مبشر رؤیاهای رنگین درجزایر هزارگانه ...
و اکنون که گلهای استوائی میشکفند
و طوطی های سبز آواز میخوانند
آنها دیگر نیستند .
اگر دشنه جلادان امروز آنها را نمی کشت
روزی مرگ آنها را شکار میکرد
ولی آخر این لکه پرزنگ خون را بردامن تاریخ که خواهد شست ؟

❀

آنچه که باید در تاریخ روی دهد روی خواهدداد.
ای ساطور بدستها بیهوده این شاخه‌ها را در هم میشکنید
آن درخت تناور که باید بروید خواهد روئید.
و با این مشك‌های خون، آتش فشان خاموش نخواهد شد.
زمان مکار شما را در لجن‌زار های خود دفن خواهد کرد
و سپس متمثل معجزه خود را خواهد افروخت
شدنی‌ها خواهد شد
آینده تردنی است .

❀

درود اشکالود بشما تن های بیسر !
و ای تل سر های دژم !
درود اشکالود برخاندانهائی که درو شدند
ستایش برشما ای‌سیاه اتیوه دوستان حقیقت!
شهادت شما شهادتی شگرف بود
شهادتی جمعی از سوی یك ملت
شهادتی عظیم ، شهادتی مقدس .

بنام ۱۳۸ میلیون کارگران جهان

(تلگراف فدراسیون جهانی سندیکاها به هویدا در باره محکومین باعدام)

آقای رئیس دولت ایران ، تهران !

از جانب سی و دومین اجلاسیه کمیته اجرائیه فدراسیون جهانی سندیکاها که از ۲۶ تا ۲۸ مه در شهر نیکوزیا (قبرس) تشکیل بود تلگرافی صمیمی جنبش جهانی سندیکائی را بعلت موج تضییقات در ایران و پروژه محکومیت به اعدام علی خاوری و پرویز حکمت جو ابراز میداریم ، بنام ۱۳۸ میلیون کارگرانی که در صفوف فدراسیون متحد شده اند نجات فوری جان این دو میهن پرست ایرانی و آزادی آنها و عفو محکومین و زندانیان سیاسی و القاء محکومیت رهبران کارگری ایران و تضمین بازگشت آزادانه ایرانیانی را که بمهاجرت سیاسی مجبور شده‌اند بکشور خود میطلبیم .

د. بیاتوسی — رئیس فدراسیون جهانی سندیکاها

ل. سایفت — دبیر فدراسیون جهانی سندیکاها

یادی از چند سالگرد

اردیبهشت خونین سالگرد شهادت هشت رزمنده توده ای

دومین ماه بهار که دوران شادابی و نشاط طبیعت است از طرف اعضاء حزب ما ، «اردیبهشت خونین» نام گرفته است زیرا در سالهای پس از کودتا عده‌ای از رزمندگان حزب ما، در اردیبهشت ماه بدست جلادان شاه شربت شهادت نوشیدند . نخست باید از دو نفر مبارز جوان و پرشور ، آرسن آوانسیان و هوشنگ پور رضوانی نام برده که پس از چند سال تحمل مصائب زندان شاه،روز ۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ در میدان تیر حشمتیه تیرباران شدند . هر دو پیکارجو ، مژ دو مقاوم و هر دو به توده‌ای بودن خود افتخار داشتند . روز ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ خسرو روزبه قهرمان ملی ایران بدست دژخیمان شاه تیر باران شد که در همین شماره یاد او را گرامی داشته ایم .

سال ۱۳۳۹ یورش مأموران شاه به شبکه های حزبی ما در آذربایجان و کردستان آغاز شد و چند صد نفر در این یورش وحشیانه دستگیر شدند محاکمه ۲۰ نفر از فعالین آنها در دادگاه نظامی آغاز شد وحکم اعدام پنج تن از آنان صادر گردید . روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ پنج مبارز آذربایجانی : رفقا علی عظیم زاده ، خسرو جهانیان آذری ، جواد فروغی ، حسن زهتاب و ایوب کلانتری در تبریز بخون خود غلطیدند . خاطره این شهیدان الهام بخش همه میهن دوستان در مبارزه علیه رژیم دمنش شاه است .

سالگرد مرگ «افراشته» شاعر توده‌ای

روز ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۳۸ ، محمد علی افراشته ، مدیر روزنامه چلنگر ، شاعر پیکار جوی توده ای ، در سن ۵۱ سالگی در بیمارستان صلیب سرخ صوفیه بر اثر سکته قلبی درگذشت . «افراشته» که با انتشار روزنامه چلنگر خدمت بزرگی به نهضت ضد استعماری مردم نموده بود ، طبعاً مورد خشم رژیم شاه قرار گرفت و در نتیجه پس ازکودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجبور بمهاجرت شد و در جمهوری توده‌ای بلغارستان اقامت نمود. «افراشته» در مهاجرت هم از مبارزه قلمی علیه رژیم باز نایستاد و بمنظور شناسائی ایران، وصف زندگی زحمتکشان ، مبارزه جانبازانه کارگران و دهقانان ، آثاری به زبان بلغاری منتشر ساخت . هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت درگذشت افراشته ضمن اطلاعیه خود چنین نوشت : «افراشته از نخستین سالهای تأسیس حزب توده ایران ، همه نیروی هنری و ادبی خویش را در خدمت خلق گذاشت افراشته که خود ازطبقات زحمتکش ایران برخاسته بود با موفقیت شایان‌آفرین توانست زندگی و مبارزات توده های مردم را در اشعار خود منعکس سازد. ساخته های افراشته، نمونه برجسته ای از درآمیختن ادبیات با سیاست است . نام افراشته در تاریخ ادبیات انقلابی ـ مترقی ایران پیوسته جای نمایانی خواهد داشت.»

شهادت یك معلم

روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ تمایش عظیم فرهنگیان تهران در میدان بهارستان انجام شد . گروههای مختلف از دانشجویان و دانش آموزان بصفوف فرهنگیان پیوستند و علیه دولت شریف امامی که دچار بحران بود تظاهرات‌کردند. یورش مسلحانهٔ مأموران شاه ، تظاهرات مسالمت آمیز فرهنگیان را بخون کشید . عده ای زخمی شدند و دکتر غلامعلی دبیر دبیرستانهای تهران به قتل رسید . از آن تاریخ ، این روز از طرف نیرو های ملی «روز معلم» نام گرفته است . تظاهرات روز ۱۲ اردیبهشت موجب سقوط دولت شریف امامی و روی کار آمدن دولت دکتر امینی شد .

قابل توجه خوانندگان عزیز

در شماره ۱۳ ماهنامه مردم شمارهٔ صندوق پستی ما ، اشتباهاً ۴۱۷۸ ذکر شده ، به ۴۱۷۶ تصحیح فرمائید .

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

سر انجام در نتیجه فشار نیرومند افکار عمومی ایران و جهان ، شاه حکم جلبرانه اعدامی را که از طرف دادگاه غیر صالح نظامی در مورد رفقای ما پرویز حکمت جو و علی خاوری صادر شده بود یك درجه تخفیف داد و بدین ترتیب این احکام به حبس ابد تبدیل شده است .

تردیدی نیست که احکام حبس ابد در مورد افراد میهن پرستی که هیچ گناهی جز دفاع از حق و عدالت ندارند بنوبه خود احکامی است جلبرانه ولی بهر جهت شایان توجه است که هیئت حاکمه ایران افکار عمومی جهان و ایران را بحساب آورده است و از ارتکاب یك جنایت قبیح تازه خود داری کرده است .

رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو با حفظ وفاداری خود باصول حزب ما و دفاع از آن در قبال بیدادگاه نظامی ، از آزمونی که با آن روبرو شده بیرون آمدند . ما باین رفقا و یارانشان درود میفرستیم و اطمینان داریم که برمشق نیکوئی که با رفتار پروازنده خود ارائه کرده اند در پرورش روح مبارزه در افراد حزب ما و نهضت رهائی بخش ایران تأثیر فراوان خواهد داشت .

در جریان دادرسی رفقا خاوری و حکمت جو و یارانشان موج بیسابقه و نیرومند اعتراض و همدردی در سراسر جهان برخاست . نظیر این مبارزه نه فقط در مورد دادرسی های سیاسی کشور ما ، بلکه حتی در کشورهای دیگر نظایر معدودی دارد .

ما وظیفه خود میدانیم از کلیه احزاب برادر و معلومات این احزاب که در این زمینه با تمام صمیمیت و علاقه بما کمك کردند و مظهری از همبستگی انترناسیونالیستی نشان دادند عمیقاً سپاسگزاری کنیم .

ما وظیفه خود میدانیم از کلیه سازمانهای دموکراتیك جهان و از آنجمله از انجمن بین المللی حقوقدانان دمکرات که با احترام نماینده خود بدادگاه کمك مؤثری کرده است تشکر کنیم .

ما از کلیه سازمانها و معلومات دمکراتیك و ملی در ایران و خارج از ایران بویژه از کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و همه دانشجویان عزیز ایرانی که در اعتصابها ، مارشها ، تظاهرات همدردی و همبستگی بسود رفقای محکوم ما شرکت جسته اند و از همهٔ میهن‌پرستان دیگر ایرانی که در این ابراز همبستگی شرکت کرده اند تشکر میکنیم.

ما از همه سازمانها و عناصر مترقی و دموکراتیك سراسر جهان ، از کمیته‌های دفاع

از زندانیان سیاسی ایران در کشورهای مختلف جهان که در جنبش همبستگی با رفقای ما شرکت جسته اند و بسهم خود کمک کرده اند و نامه ها و تلگرافهای اعتراض ارسال داشته اند تشکر میکنیم .

رفقای حزبی در ایران و خارج در جریان مبارزه برای نجات جان رفقا حکمت جو و خاوری بنوبه خود با شور و صمیمیت وظایف خود را انجام دادند و ابراز تفکر کردند.

تجربهٔ این مبارزه نشان داده است که عمل مشترک و مبارزه مشترک قادر است هیئت حاکمه ایران را به عقب نشینی وادارد . باید از این واقعیت برای مبارزات آتی مشترک درس گرفت .

کمیته مرکزی حزب توده ایران